

Hesperis

23793 GIACOMO, L. di. "Une poétesse grenadine du temps des Almohades: Hafsa bint al-Hājj ar-Rukūniya. *Hesp.* 34 (1947), pp. 9-101

Hafsa bint al-Hājj ar-Rukūniya

130 OCAK 1993

2614 ALI ben MOHAMED, Alfonso. A proposito di alcuni versi attribuiti a Hafsa bint al-Hājj al-Rakūniyya. *Studi arabo-islamici in memoria di Umberto Rizzitano, raccolti a cura di G. di Stefano.* (Mazara del Vallo:) Istituto di Studi Arabo-Islamici "Michele Amari", 1991, pp.17-24

HAFSA ar-
REKUNIYYE

06 OCAK 1994

Hafsa ar-Rakūniyye

1711

Rayāt al-Mukarrizīn, 161-164

D.B. 6968

27 MAYIS 2011

854 BRANN, Ross. He said, she said: reinscribing the Andalusī Arabic love lyric. *Studies in Arabic and Hebrew letters in honor of Raymond P. Scheindlin.* Ed. Jonathan P. Decter and Michael Rand. Piscataway: Gorgias Press, 2007, pp. 7-15. (Star-crossed poets from noble families of Granada, Hafsa bint al-Hājj al-Rakūniyya (c.1135-91) and Abū Ja'far ibn 'Abd al-Malik ibn Sa'īd (d.1163).)

Hafsa ar-Rakūniyye

MADDE İZLENİMLERİNDEN SONRA GELEN DOKÜMAN

(نک: نولدکه، II/114-115؛ درباره قرائت خاص حفصه از آیه‌ای از قرآن کریم، نک: ابن ابی داوود، ۹۶-۹۷؛ قس: احمد بن حنبل، ۷۳۱۶، ۱۷۸، که در روایتی کاملاً مشابه، به جای حفصه از عایشه نام برده است).

مآخذ: ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح تفسیر البلاغة، به کوشش ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۹-۱۹۶۶ م؛ ابن ابی داوود، عبدالله، المصاحف، بیروت، ۱۴۰۵ ق/۱۹۸۵ م؛ ابن ابی طاهر طیفور، بلاغات النساء، بیروت، ۱۹۷۲ م؛ ابن ابی عاصم، احمد، الأحاد و الثقات، به کوشش یاسم فیصل جواهره، ریاض، ۱۴۱۱ ق/۱۹۹۷ م؛ ابن اثیر، علی، اسد الغابة، بولاق، ۱۲۸۰ ق؛ ابن اسحاق، محمد، السیر و المغازی، به کوشش سهیل زکار، بیروت، ۱۹۷۸ م؛ ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویة، به کوشش محمد رشاد سالم، حجاز، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م؛ ابن حیب، محمد، المعیر، به کوشش ایلزه لیشتن اشتر، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۱ ق؛ ابن حجر، علی، الاصابه، قاهره، ۱۳۲۸ م؛ ابن حزم، علی، جمهرة انساب العرب، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۷ م؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر؛ ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۹۶۰ م؛ ابن قدامه، عبدالله، التین فی انساب القرشیین، به کوشش محمد نایف دلیمی، بیروت، ۱۹۸۸ م؛ ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش محمدحیی الدین عبدالحمید، قاهره، المکتبة التجاریة؛ ابوزرعہ دمشقی، عبدالرحمان، تاریخ، به کوشش شکرالله قوجانی، دمشق، ۱۴۰۰ ق/۱۹۸۰ م؛ ابو عبیده، معمر، ازواج النبی و اولاده، به کوشش یوسف علی یدیوی، دمشق، ۱۴۱۰ ق/۱۹۹۰ م؛ ابن نعیم اصفهانی، احمد، معرفة الصحابة، به کوشش محمد حسن اسماعیل و عبدالحمید سعدنی، بیروت، ۱۴۲۲ ق/۲۰۰۲ م؛ احمد بن حنبل، مستدرک، بولاق، ۱۳۱۳ ق؛ بخاری، اسماعیل، الصحيح، بیروت، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۷ م؛ بسوی، یعقوب، المعرفه و التاریخ، به کوشش اکرم ضیاء عمری، بغداد، ۱۳۹۶-۱۳۹۶ ق؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۶ م؛ همو، تنویر الیلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۳ م؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۹۶۰ م؛ همو، الطبقات، به کوشش اکرم ضیاء عمری، ریاض، دار طیبه؛ ذهبی، احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارتنوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م؛ رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ زهری، محمد، المغازی النبویة، به کوشش سهیل زکار، دمشق، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۷ م؛ سیوطی، عبدالرحمان، الدر المنثور، بیروت، ۱۴۱۱ ق/۱۹۹۰ م؛ طبری، تاریخ؛ همو، تفسیر، به کوشش احمد عبدالرزاق بکری و دیگران، قاهره، ۱۴۲۵ ق/۲۰۰۵ م؛ طوسی، محمد، التیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ عاملی، جعفر، الصحيح، بیروت، ۱۴۱۵ ق/۱۹۹۵ م؛ طوطی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دار الکتب المصریة؛ کلبی، هشام، جمهرة النسب، به کوشش ناجی حسن، بیروت، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۷ م؛ مالک بن انس، الموطأ، بیروت، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۵ م؛ «المیانی»، همراه مقدمتان فی علوم القرآن، به کوشش آرتور جفری، قاهره، ۱۹۵۴ م؛ مزنی، یوسف، تهذیب الکمال، به کوشش بشار عواد مصروف، بیروت، ۱۹۸۸ م؛ مفید، محمد، الارشاد، قم، ۱۴۱۳ ق؛ همو، الجمل، به کوشش علی میر شریفی، قم، ۱۴۱۳ ق؛ واحدی، عبدالله، اسباب نزول الآیات، قاهره، ۱۳۲۸ ق/۱۹۶۸ م؛ واقعی، محمد، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، لندن، ۱۹۶۶ م؛ یعقوبی، احمد، تاریخ، به کوشش هوتسما، لیدن، ۱۹۶۹ م؛ نیز:

Noldeke, T., *Geschichte des Qorans*, Hildesheim/New York, 1970.
علی: بهرامیان

حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ (د ۵۸۶ ق/۱۱۹۰ م)، یا حفصه زکونیه، این نامورترین زنان شاعر اندلس در سده ۶ ق/۱۲ م. همه منابع اندلسی و نیز بسیاری از منابع شرقی، ماجراهای عاشقانه شورانگیز او را همراه با اشعارش — که غالباً شعر متناسبت و مربوط به

کشوقوسهای زندگی او ست — نقل کرده‌اند.

مهم‌ترین منابع موجود عبارت‌اند از:

الف - منابع شرقی کهن: ۱. یاقوت (د ۶۲۶ ق/۱۲۲۹ م) (۲۲۶-۲۱۹/۱۰)؛ ۲. ابن دواداری (د ۷۳۶ ق/۱۳۳۶ م) (۵۴۳-۵۴۲/۶)؛ ۳. صفدی (د ۷۶۴ ق/۱۳۶۳ م) (۱۰۸-۱۰۷/۱۳)؛ ۴. سیوطی (د ۹۱۱ ق/۱۵۰۵ م) (ص ۴۰-۴۳).

ب - منابع اندلسی: ۱. ابن دحیه (د ۶۳۳ ق/۱۲۳۶ م) (ص ۱۰)؛ ۲. ابن ابار (د ۶۵۸ ق/۱۲۶۰ م) (التکملة ...، ۲۶۱/۴، تحفة ...، ۲۴۰)؛ ۳. ابن سعید مغربی (د ۶۸۵ ق/۱۲۸۶ م) (رایات ...، ۹۲-۹۳، المغرب، ۱۳۸-۱۳۹)؛ ۴. ابن خطیب (م ۷۷۶ ق/۱۳۷۴ م) (۲۲۳/۱-۲۲۴، ۲۲۴)؛ ۵. مقری (د ۱۰۴۱ ق/۱۶۳۷ م) (۱۷۷۴-۱۷۹).

ج - منابع معاصر: ۱. فواز عاملی (ص ۱۶۵-۱۶۹)؛ ۲. شکعه (ص ۲۱۹-۲۲۹)؛ ۳. بوفلاقه (ص ۱۵۵-۱۷۸)؛ ۴. کحاله (ص ۲۶۷/۱-۲۷۱)؛ ۵. اعلمی حائری (۲۲-۲۱۷/۲)؛ ۶. یموت (ص ۲۲۱-۲۲۵)؛ ۷. وائلی (۱۳۱-۱۲۸/۱)؛ ۸. پلا (نک: EI²)؛ و سرانجام در ۱۹۴۷ م، لویی دی جاکومو، عضو «انجمن آموزش عالی مراکش»، مقاله بسیار مفصلی درباره این بانو، در مجله هسپریس^۱ (شماره ۱ و ۲) منتشر کرد. وی سپس همین مقاله را اساس کتاب کوچکی به نام حفصه بنت الحاج قرار داد که در مجموعه هسپریس (نک: مآخذ) منتشر ساخت. پیوست این مقاله، دیوان شاعر است که از منابع گوناگون به دست آمده است و از ۷۱ بیت فراتر نمی‌رود. اینک بهتر آن است که همین کتاب را — که از هر جهت جامع است — خلاصه کرده در اینجا بیاوریم:

مؤلف در آغاز لازم دیده است کتاب‌نگاری خود را که بر روایاتی اندک، و حدود ۵۰ بیت شعر استوار گردیده است، توجیه کند. وی ملاحظه می‌کند که شاعران زن در اندلس و مغرب بسیار متعدّدند؛ مقری (نک: ۵۳۶/۲-۵۴۵، ۵۶۳-۵۶۷) از ۲۵ زن شعرسرا نام برده و هنر و ذوقشان را ستوده است (نک: جاکومو، 1, 7, 15). از این میان، حفصه، به سبب ماجراهای فراوان و زیبایی اشعارش، بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. این بانو را تنها با دو بانوی شاعر دیگر، یعنی نزهون و ولّاده می‌توان قیاس کرد (همو، 17). دیگر آنکه مردان معروفی پیرامون این بانو پدیدار گشته و گاه سخت به عشق او گرفتار شده‌اند. این گونه رابطه‌ها، پای او را به درون ماجراهای سیاسی و حتی توطئه‌های مرگ‌بار گشوده است. مجموعه آگاهی‌هایی که از این روایات به دست می‌آید، راه را برای پژوهشهای جامعه‌شناختی نیز می‌گشاید. از شعرهای فاش و بی‌پروای حفصه و شیوه کنش او با مردان اندلسی آشکار می‌شود که زنان اندلسی نسبت به زنان شرقی، از آزادی بیشتری برخوردار بوده، و به همین سبب، نقش مهم‌تری در ادب و هنر

1. *Hespéris*.

Hafsa bint al-Hajj al-Rukuniyya

Hāfiz Ibrāhīm, Muḥammad see Ibrāhīm, (Muḥammad) Hāfiz

Hafsa bint al-Hajj al-Rukuniyya (c.530–85/c.1135–91)

Poet and teacher in Granada and Marrakesh. A beautiful and cultured woman of Berber origin, Hafsa had a long love affair and exchanged poems with Abū Ja'far ibn Sa'id. When Abū Sa'id 'Uthmān became governor of Granada, Abū Ja'far became a minister in his government. Abū Sa'id then fell in love with Hafsa and turned against Abū Ja'far. The latter fled to join the rebel Ibn Mardanish, but he was apprehended and crucified. Hafsa became a teacher; the Almohad caliph Ya'qūb al-Manṣūr brought her to Marrakesh as tutor to his daughters. Eighteen short poems from her Granada period, mostly on love, are attributed to her.

Further reading

di Giacomo, Louis, *Une poétesse grenadine du temps des almohades: Hafsa bint al-Hajj*, Paris (1949).

Garulo, Teresa, *Dīwān de las poetisas de al-Andalus*, Madrid (1985), 71–89.

Nykl, A.R., *Hispano-Arabic Poetry, and its Relations with the Old Provençal Troubadours*, Baltimore (1946), 317.

R.P. SCHEINDLIN

Hafšids see Maghrib

hagiography see manāqib literature

al-Hā'ik, Muḥammad ibn al-Ḥasan (fl. twelfth/eighteenth century)

North African compiler of a unique song-text collection (*Majmū'at al-nawbāt*) which seems to represent the North African repertoire of the eleventh/seventeenth to twelfth/eighteenth centuries. The comprehensive materials (there are over 700 entries) include most of the major categories of song and are organized according to their place within the eleven *nawbāt*, the complex cyclical forms of the classical Maghribi musical tradition. There are at least three different versions extant, one of which contains a general introductory survey

of music and the melodic modes. As well as indicating which modes occur in each *nawba*, reference is also made to category and metre, but there are no internal indications of structure or of the nature of the setting. The collection is also important as a literary document, recording as it does the major part of the poetry that was sung during this period, including items that survive from the Andalusian *muwashshahāt* repertoire of the fourteenth century.

Text edition

Majmū'at al-nawbāt (in part), Rabat (1934–5).

Further reading

Martínez, F. Valderrama, *El Cancionero de al-Hā'ik*, Tetuán (1954).

O. WRIGHT

al-Hājī, Unsi (1937–)

Lebanese poet, journalist and translator. Born in Beirut, al-Hājī was a leading member of the group of modernist poets associated with *Shi'r* magazine. In addition to his own verse, he has translated poems by Breton, Artaud and other French writers into Arabic. His own poetry is itself greatly influenced by French poets such as Saint-John Perse and Rimbaud, much of it being written in the form of prose poetry, and, with Adūnīs, he has acknowledged his indebtedness to Suzanne Bernard's book *Le Poème en prose de Baudelaire jusqu'à nos jours* (Paris, 1959). Among his collections are *Lan* (1960), *al-Ra's al-maqtū'* (1963) and *Mādi al-ayyām al-ātiya* (1965). Al-Hājī has seen his own poetry as an expression of revolt against the Arabic literary tradition; his preface to *Lan* may be considered almost as a manifesto for the new trend.

Further reading

Jayyusi, S.K., *Trends and Movements in Modern Arabic Poetry*, Leiden (1977), 632–5.

P. STARKEY

al-Hajjāj ibn Yūsuf (c.41–95/c.661–714)

The most famous, or notorious, provincial governor of the Umayyad caliphate. He was both agent and symbol of the restoration of Umayyad power under 'Abd al-Malik in the

A.R. NYKL

Hispano-Arabic Poetry

Baltimore - 1946, s. 317-

(B. O. K. p. - ISAM K. p.)



L.S. HASIM 1997

CHAPTER V.

THE ALMOHAD PERIOD [1149-1248].

During this period philosophy was the most favored intellectual and cultural pursuit at the court, especially under Yūsuf ibn Ya'qūb Al-Manšūr. Ibn Ṭufail, Ibn Rušd and Ibn Ṭumlūs of Alcira were deep thinkers, but composed no verses of love. Yūsuf ibn Ya'qūb, after the victory of Alarcos,¹ came to the conclusion that philosophy was weakening the religious fervor which was the mainspring of valor on the battlefield against the Christians. He turned against his friend Ibn Rušd who had to go into exile in Morocco.

Granada became the center of vigorous poetic activity, to some extent a replica of Cordova ca. 1030, one century and a half prior to that. Ġa'far ibn Sa'īd and Ḥafṣa ar-Rakūniya play therein a rôle which resembles that of Ibn Zaidūn and Wallāda, with less brilliance on the part of Ġa'far, but with more femininity, talent and decency on the part of Ḥafṣa.

ḤAFṢA BINT AL-ḤĀĠĠ AR-RAKŪNĪ (known as Ar-Rakūniya) is without doubt the best of the Andalusian poetesses and one who has shown most loyalty to her lover, next to Ar-Rumaikiya, the wife of Al-Mu'tamid. According to the reports which Al-Maqqarī has copied from the *Ihāṭa*, she became the teacher of women in the harem of Abd al-Mu'min ibn 'Alī. When she saw the Sultān write in large letters the Almoḥad motto "Al-ḥamdu li-llāhi waḥdahū" (Praise be to Allāh alone), she improvised:

1. Lord of the people, oh you whose mighty,
Strong help the people are awaiting,
2. Defend me by a shield which will
Be against Fate's blows a safeguard:
3. Your right hand will write upon it:
"Glory be to Allāh only!"

Her love story with the poet

ABŪ ĠA'FAR AḤMAD IBN SA'ĪD is by far more attractive than that of Wallāda and Ibn Zaidūn, though less spectacular and violent.

Abū Ga'far's father, Abū Marwān 'Abd al-Malik ibn Sa'īd, lord of Alcalá la Real (Qal'at Sa'īd), had been the vizier of 'Abd al-Mu'min, but secretly sympathized with Ibn Mardaniš of Valencia, an adversary of the Almoḥads. When the situation became unbearable to him, he asked to be relieved of his office in the following verses:

1. O my lord, when will the time come
When my life will again be carefree?

Hafsa - Rukuniyya

20 EYLOL 1993

HAFSA BINT AL-HÄDJDJ AL-RUKŪNIYYA (al-Rakūniyya), poetess of Granada born after 530/1135, d. 589/1190-1. Ibn al-Khaṭīb (*Ihāṭa*, i, 316) and other writers praise the beauty, distinction, literary culture, wit, and poetic gifts of this woman, who was remembered in later ages above all for her love-affair with the poet Abū Dja'far Ibn Sa'īd of the Banū Sa'īd [see IBN SA'ĪD] family. Abū Dja'far was the inspiration of most of her poetry which we possess. After the arrival at Granada of Abū Sa'īd 'Uṭhmān, the son of the Almohad 'Abd al-Mu'min, she frequented his court and indulged in an amorous intrigue with him (though without abandoning Abū Dja'far) and was even sent with a delegation to 'Abd al-Mu'min at al-Ribāt. It was on this occasion that 'Abd al-Mu'min is said to have granted her a village or estate near Granada, al-Rukūna, from which her *nisba* is derived but which is otherwise unknown. Jealousy was an element in Abū Dja'far's political attitude and Abū Sa'īd's hostility towards him, and the latter finally received orders to execute his rival. After the crucifixion of Abū Dja'far in 560/1165 Hafsa lamented her lost lover in verse which expresses a touching grief, dressed in black at the risk of prosecution, then little by little gave up poetry and devoted herself to teaching. She ended her days at Marrākush, where Ya'qūb al-Manṣūr had entrusted the education of the Almohad princesses to her.

Of her poetical production, strongly tinged with the romantic atmosphere which still prevailed in Spain, there remain only about 70 lines which attest a deep skill in a well-learned craft, but some personal touches and genuine sentiments often expressed in a style quite free from rhetorical artificiality may be perceived.

Bibliography: Yāqūt, *Irshād*, iv, 119-23 (= *Udabā'*, x, 219-27); Ibn al-Khaṭīb, *Ihāṭa*, Cairo 1319, i, 316-8; Maḳḳārī, *Analectes*, i, 108, ii, 147, 539-44; B. Yamūt, *Shā'irāt al-Arab fi 'l-djāhiliyya wa 'l-Islām*, Beirut 1934, 215-9; A. R. Nykl, *Hispano-Arabic poetry*, Baltimore 1946; L. Di Giacomo, *Une poëtresse andalouse du temps des Almohades: Hafsa bint al-Hājj ar-Rukūniyya*, in *Hesp.*, xxxiv/1 (1947), 9-101 (very complete monograph containing a more detailed bibliography). (CH. PELLAT)

X HAFSIDS (BANŪ HAFS), a dynasty of Eastern Barbary (627-982/1229-1574), whose eponymous ancestor was the celebrated Companion of the Mahdī Ibn Tūmart [q.v.], the *shaykh* Abū Hafṣ 'Umar b. Yaḥyā al-Hintātī [q.v.], one of the chief architects of Almohad greatness. His son, the *shaykh* Abū Muḥammad 'Abd al-Wāhid b. Abī Hafṣ, governed Ifrīkiya from 603 to 618/1207 to 1221. His grandson, Abū Muḥammad 'Abd Allāh b. 'Abd al-Wāhid, was governor in 623/1226, but was got rid of by one of his brothers (Abū Zakariyyā' Yaḥyā) in 625/1228. Under the pretence of defending the purity of Almohad tradition, which he claimed was being undermined, the new governor omitted the name of the Mu'minid caliph from the *khutba* (beginning of 627/Nov.-Dec. 1229) and took the title of independent *amir*; his sovereignty was fully affirmed in 634/1236-7 by the inclusion of his name in the *khutba*.

In the 7th/13th century, after its temporary unification by the Almohads, the Maghrib was once again, and not for the last time, divided into three states: the Marīnid empire of Fez, the 'Abd al-Wāhid kingdom of Tlemcen (Tilimsān) and the Hafṣid kingdom of Tunis.

I. The *amir* Abū Zakariyyā' Yaḥyā (625-47/

1228-49). Having achieved independence, he gathered together what was to be henceforth the Hafṣid territory, i.e., the whole of Ifrīkiya, by seizing Constantine and Bougie (628/1230) and ridding Tripolitania and the country south of Constantine of the persistent rebel Ibn Ghāniya (631/1234). The following year he annexed Algiers, and then subdued the Chelif valley. He encouraged the expansion of the Banū Sulaym (Ku'ūb and Mirdās) when they pushed back the Banū Riyāh (Dawāwida) in the Constantine region and the Zāb. In 636/1238, he subdued the Hawwāra of the Algerian-Tunisian borders. He thwarted a dangerous conspiracy (639/1242), and launched an attack against Tlemcen, which he took early in 640/July 1242, handing it back to the 'Abd al-Wāhid in return for his submission to Hafṣid rule. On his way back, he conceded to the chiefs of the tribes of the Banū Tudjīn rule over their respective territories, thus setting up in the Central Maghrib a number of small vassal states capable of ensuring his security. From 635/1238 onwards, the power of Abū Zakariyyā' spread as far as Morocco and Spain, whence tokens of submission flowed in. When he died, he was in control of the whole of northern Morocco, and Naṣrids and Marinids acknowledged his overlordship.

He upheld Almohad tradition in his civil and military administration, and in his capital Tunis, on which he conferred many benefits: *muṣallā*, *sūkh*, *kaṣaba* and *madrassa* (the oldest of the public *madrāsas* of Barbary). Mālikism was not interfered with by official Almohadism, nor was the mysticism associated with al-Dahmānī (b. 621/1224), 'Abd al-'Azīz al-Mahdawī, Sidi Abū Sa'īd (d. 628/1231), al-Shādhili (d. 656/1258 [q.v.]), and 'Ā'isha al-Mannūbiyya (d. 665/1267 [q.v.]).

Rapid economic growth followed peace and security, and exchanges became more frequent with Provence, Languedoc and the Italian republics, with whom treaties were signed. From 636/1239, relations with Sicily became closer when the Hafṣid ruler began to pay yearly tribute in return for the right to maritime trade and freedom to import Sicilian wheat. About the same time, bonds of friendship were forged between the crowns of Tunis and Aragon. Christian merchant communities (Spanish, Provençal and Italian) settled in the ports, particularly in Tunis, with their own *funduqs* [q.v.] and consuls. At the beginning of the 7th/13th century many Spanish Muslims, craftsmen, men of letters and so on, emigrated to Hafṣid Ifrīkiya, and before long constituted a powerful Andalusian body alongside the Almohad caste in the capital (see *ANDALUS*, vi, appendix).

II. The caliph al-Mustanṣir (647-75/1249-77). As heir presumptive, Abū 'Abd Allāh Muḥammad succeeded his father without difficulty. He gave free rein to his love of ostentation, and from 650/1253 he adopted the caliphal title of al-Mustanṣir bi'llāh. His self-confident policy was rewarded by important diplomatic triumphs in Morocco, Spain and even in the Hijāz and Egypt. His rule was never jeopardised by a few plots and rebellions, often started or supported by the Arabs. In 658/1260 he executed the chief of his chancellery, the Andalusian writer Ibn al-Abbār [q.v.]. On the whole, relations with Christendom were as easy as they had been under Abū Zakariyyā', though they suffered some setback when the crusade of St. Louis (died at Carthage, 25 August 1270) turned towards Ifrīkiya. Less than a month later, the crusaders left under the terms of a treaty made with al-Mustanṣir. With his death began a

UNE POÉTESSE GRENADINE
 DU TEMPS DES ALMOHADES

HAFSA BINT AL-HAJJ

PAR

LOUIS DI GIACOMO

Directeur d'Études
 à l'Institut des Hautes Études Marocaines



COLLECTION HESPÉRIS

INSTITUT DES HAUTES-ÉTUDES MAROCAINES

N° X

1949

LAROSE, ÉDITEUR, RUE VICTOR-COUSIN, PARIS, V^e

8 L. DI GIACOMO

ainsi le difficile, encore faudrait-il disposer, dans la documentation, d'une masse suffisante de manœuvre. Or, dans mon cas, je n'avais pas le choix, du moment que j'avais pris à cœur de payer tout son dû à mon héroïne. Force m'était donc de faire feu de tout bois.

Cependant, le tableau, en dépit de cette précaution, reste encore plein d'ombres et de lacunes. L'être si curieux et si vivant que fut Hafsa se convertit lui-même en une ombre bien indécise. J'ai toutefois le sentiment que, tant qu'on n'aura pas trouvé d'autres documents, il ne sera pas possible, sans tomber dans la fiction, de dire beaucoup plus sur Hafsa. On pourra donc, il me semble, considérer provisoirement cette modeste étude comme exhaustive.

*
 * *

N. B. — En dehors des abréviations latines et françaises dont on fait communément usage dans les ouvrages d'érudition, j'ai réduit *bn* (i. e. *bnw*, *bnā*, *bnī*) à *b.* et *Muhammad* à *Muh.* ; *h.* après une date veut dire hégire.

Bien que l'arabe soit simplement translittéré, j'ai tenu compte de l'assimilation du *l* de l'article à la première consonne du mot suivant. J'ai donc écrit *al-Sariṣī* pour *al-Sariṣi* ; quand l'article n'est pas initial, il se trouve réduit à une seule consonne : *wa-d-diyār*.

Deux millésimes séparés par un trait oblique correspondent : le premier à l'ère hégirienne, le second à l'ère chrétienne.

Ces indications sont destinées, bien entendu, aux non-arabisants.

UNE POÉTESSE GRENADINE DU TEMPS DES ALMOHADES :

HAFSA BINT AL-HAJJ AR-RUKŪNIYA (1)

RÉFÉRENCES - ABRÉVIATIONS

- Abbad.* Dozy (R.), *Scriptorum Arabum loci de Abbadidis*, 3 vol. in-4, Leyde, 1846-1853.
- Add. et Corr.* id., « Additions et Corrections. Livres VI et VII (première partie) publiés par M. Dozy », *Analectes* (cf. infra), tome second, pp. v-LXXXIII.
- Anal.* *Analectes sur l'histoire et la littérature des Arabes d'Espagne*, édit. faite par R. DOZY, G. DUGAT, L. KREHL et W. WRIGHT, Leyde, 1855-1860, 2 vol. in-4, de la première partie de l'ouvrage intitulé *Nafh al-ḥib min ḡuṣn al-Andalus ar-raḥīb...* d'al-Maqqarī.
- Ber.* FLEISCHER (H.), *Berichte der Königl. Sächsischen Gesellschaft der Wissenschaften*, in *Kleinere Schriften*, Leipzig, 1883.
- CASIRI (M.), *Bibliotheca arabico-hispana escurialensis*, 2 vol. in-f^o, Madrid, 1860-70.

(1) Cet article a été d'abord rédigé pour faire l'objet d'une communication à l'Institut des hautes études marocaines le 18 janvier 1945 (voir compte rendu de cette communication in « Hespérus » 1945, p. 97). C'est un chapitre, entièrement remanié, du mémoire que j'ai présenté devant la Faculté des lettres d'Alger à la session de novembre 1932 en vue du diplôme d'études supérieures. Ce mémoire était principalement constitué par la traduction annotée du passage du *Nafh al-ḥib* relatif aux poétesses de l'Espagne musulmane.

L'ouvrage de A.R. NYKŪ, *Aṣ-ṣi'r al-andalusī, Hispano-arabic poetry and its relations with the old Provençal troubadours*, Baltimore, 1946, qui réserve plusieurs pages (317-324) à Hafsa et à Abū Ja'far Ahmad b. Sa'īd, m'est parvenu quand le présent travail était terminé. J'ajouterais d'ailleurs que les quelques changements qu'il aurait pu me permettre d'apporter à mes traductions n'auraient pas été de bien grande conséquence.

٤- ** زاد المسافر ٥١-٥٧؛ بغية الملتبس ٤٩٣-٤٩٤ (رقم ١٤٩٣)؛ وفيات الأعيان ١٣:٧-١٤؛ شذرات الذهب ٤:٢٩٥؛ نفع الطيب ٣:٢٠٦-٢٣٧، ٢٤١-٢٤٤؛ ٣٣٥-٣٣٧؛ نيكل ١٨٧-١٨٨؛ مختارات نيكل ١٩٧-١٩٩؛ الأعلام للزركلي ٨: ١٧٨-١٨٨ (١٥٢).

✕ حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ الرُّكُونِيَّةِ

١- هِيَ حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ، كَانَ مَوْلُودَهَا فِي غَرْنَاطَةَ بُعِيدَ سَنَةِ ٥٣٠ هـ (١١٣٥ م) فِي أُسْرَةِ ذَاتِ شَرَفٍ وَجَاهٍ وَعِنَى. وَشَبَّتْ حَفْصَةُ فَكَانَتْ فَتَاةً جَمِيلَةً ذَكِيَّةً مُتَادِبَةً مُنْفَعَةً.

لَا نَعْرِفُ مِنَ الْأَحْدَاثِ الْأُولَى فِي حَيَاةِ حَفْصَةَ بِنْتُ الْحَاجِّ إِلَّا حُبَّهَا لِأَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ سَعِيدِ الْعَنَسِيِّ، وَقَدْ تَبَادَلَا الرِّسَالَةَ نَثْرًا وَنَظْمًا وَنَعِمًا بِالْحُبِّ مُدَّةً ثُمَّ حَالَتْ حَيَاتُهَا مَأْسَاءً حِينَمَا وَلَعَّ بِهَا أَبُو سَعِيدٍ عَثَانَ بْنَ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ وَالِي غَرْنَاطَةَ وَوَلَعَتْ هِيَ بِهِ أَيْضًا، فَيَا بَيْدُو.

فِي سَنَةِ ٥٥٦ هـ (١١٦١ م) جَازَ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى الْأَنْدَلُسِ لِلجِهَادِ، فَبَعَثَ أَبُو سَعِيدٍ عَثَانَ حَفْصَةَ بِنْتُ الْحَاجِّ وَاقِدَةً عَلَى أَبِيهِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ، فَأَكْرَمَهَا عَبْدُ الْمُؤْمِنِ وَوَهَبَهَا قَرْيَةً قُرْبَ غَرْنَاطَةَ تُدْعَى الرُّكُونَةَ (بِفَتْحِ الرَّاءِ أَوْ بضمها). وَمِنْذُ ذَلِكَ الْحِينِ أَصْبَحَتْ تُدْعَى «الرُّكُونِيَّةُ» (فَهِيَ حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ الرُّكُونِيَّةُ لَا حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ الرُّكُونِيَّةُ).

وَلَمَّا قُتِلَ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ سَعِيدٍ، سَنَةَ ٥٥٩ هـ، حَزَنَتْ حَفْصَةُ عَلَيْهِ وَلبَسَتْ السَّوَادَ وَمَالَتْ إِلَى الرَّهْدِ وَتَرَكَتْ قَوْلَ الشُّعْرِ. وَيَبْدُو أَنَّ حَفْصَةَ انْتَقَلَتْ، فَيَا بَعْدُ وَشَيْكَأً إِلَى مَرَّاكُشٍ ثُمَّ دَخَلَتْ بِلَاطِ الْمُوَحَّدِينَ لِتَعْلِيمِ الْأَمِيرَاتِ وَتَهْدِيهِنَّ. وَأَرْجَحُ أَنَّ يَكُونُ ذَلِكَ فِي أَيَّامِ أَبِي يَعْقُوبَ يَوْسُفَ بْنَ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ ثَانِي سُلَاطِينَ الْمُوَحَّدِينَ (٥٥٨ - ٥٨٠ هـ). ثُمَّ اسْتَمَرَّتْ تَعْمَلُ ذَلِكَ فِي أَيَّامِ الْمُنْصُورِ. وَبُسْتَبَعُدَ أَنْ تَكُونَ بَدَأَتْ التَّعْلِيمَ لِبَنَاتِ أَبِي يَوْسُفَ يَعْقُوبَ الْمُنْصُورِ الَّذِي وُلِدَ سَنَةَ ٥٥٤ هـ (١١٥٩ م) وَجَاءَ إِلَى الْعَرْشِ سَنَةَ ٥٨٠ هـ (١١٨٤ م).

وَكَانَتْ وَفَاةً حَفْصَةَ الرُّكُونِيَّةُ، سَنَةَ ٥٨٩ هـ (١١٩٣ م) فِي الْأَغْلِبِ، وَفِي مَدِينَةِ مَرَّاكُشٍ. وَوَفَاتُهَا فِي مَعْجَمِ الْأَدْبَاءِ (١٠: ٢٢٧، بِالْأَحْرَفِ) سَنَةَ ٥٨٦ هـ.

٢- كَانَتْ حَفْصَةُ بِنْتُ الْحَاجِّ الرُّكُونِيَّةُ أَسْتَاذَةً قَدِيرَةً وَأَدِيبَةً بَارِعَةً وَشَاعِرَةً كَبِيرَةً؛ وَهِيَ بِلَا رَيْبٍ أَشْهُرُ شَاعِرَاتِ الْأَنْدَلُسِ، وَلَعَلَّهَا أَكْبَرُهُنَّ. كَانَتْ سَرِيعَةً الْخَاطِرِ رَقِيقَةً الشُّعْرِ تَمِيلُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّنَاعَةِ؛ وَفِي شِعْرِهَا كَثِيرٌ مِنَ الصِّدْقِ وَشَيْءٌ مِنَ التَّهَكُّمِ وَالْفُكَاهَةِ. وَتَدَوَّرُ فُنُونُ شِعْرِهَا عَلَى الْمَدْحِ وَالْعِتَابِ وَالغَزْلِ فِي الْأَكْثَرِ؛ وَمُعْظَمُ شِعْرِهَا فِي الْمُنَاسِبَاتِ الَّتِي رَبَطَتْهَا بِأَبِي جَعْفَرِ أَحْمَدَ بْنِ سَعِيدٍ وَبِالْمُنَاسِبَاتِ الَّتِي جَمَعَتْهَا بِهِ. وَيَرَى نِيكَل (ص ٣١٧) أَنَّ قِصَّةَ حَفْصَةَ وَابْنِ سَعِيدٍ تُشَبَّهُ قِصَّةَ وِلَادَةِ وَابْنِ زَيْدُونِ، إِلَّا أَنَّهَا أَقْرَبُ إِلَى النَّفْسِ وَإِنَّ كَانَتْ أَقْلَ تَلْوِينًا وَعُنْفًا.

٣- مَخْتَارَاتٌ مِنْ شِعْرِهَا:

- مِنْ مَقْطَعَاتِ حَفْصَةَ فِي صَلَاتِهَا بِأَبِي جَعْفَرِ بْنِ سَعِيدٍ:

*** يَا مَدْعِي فِي الْحُسْنِ وَالْغَرَامِ الْإِمَامَةَ^(١)،
أَتَى قَرِيضُكَ، لَكِنْ لَمْ أَرْضَ مِنْهُ نِظَامَةً.
أَمْدَعِي الْحَبَّ يَثْنِي يَا سُّ الْحَبِيبِ زَمَامَةً؟
ضَلَلْتُ كُلَّ ضَلَالٍ، وَلَمْ تُفِدْكَ الرَّعَامَةَ.
مَا زِلْتُ تَصَحَبُ مَذْكَرًا فِي السَّبَاقِ السَّلَامَةَ،
حَتَّى عَثَرْتُ وَأَخْجَلْتُ بِأَفْتِضَاحِ السَّامَةَ^(٢)،
بِاللَّهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ يُبْدِي السَّحَابُ أَنْجَامَهُ^(٣)،

(١) فِي هَوَى الْحُسْنِ وَ (فِي) الْغَرَامِ الْإِمَامَةَ.

(٢) - لَمْ تَكُنْ تَقَامِرُ (وَتَعْلَنُ حَيْكَةَ لِي).... ثُمَّ سَمِعْتُ (مَلَلْتُ) هَذَا الْكُتَابَ فَبَحْتُ بِالْحَبِّ (فِي) آيَاتِ أَرْسَلْتَهَا (إِلَى) فَاقْتَضَحْتُ!

(٣) كَذَا فِي الْأَصْلِ. وَالتَّخْرِيجُ الْمَقُولُ: بِاللَّهِ (لِلْقِسْمِ). فِي كُلِّ وَقْتٍ (لَيْسَ فِي كُلِّ وَقْتٍ) لِأَنَّ حَرْفَ النِّفْيِ يَحْذِفُ بَعْدَ الْقِسْمِ - فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ (١٢: ٨٥، يَوْسُفُ): قَالُوا: تَاللَّهِ، تَقْتَنَّا تَذَكْرًا يَوْسُفَ (= تَاللَّهِ، لَا تَقْتَنَّا تَذَكْرًا يَوْسُفَ). وَقَالَ السَّرِيُّ الرَّفَاءُ (ت ٣٦٢ هـ):

Desconocemos quién fue Hâşim, abuelo de nuestro personaje y de quien deriva la *şubra* "Hafid Hâşim" (Nieto de Hâşim), aunque debió de ser un personaje conocido.

OBRA:

◇ 1. *Şarḥ Kitāb al-Tafrī* (Comentario al libro *La ramificación*).

Se trata de un comentario, en seis volúmenes (*asfār*) a la obra de Derecho islámico del famoso alfaquí iraquí del s. X Ibn al-Ŷallāb.

FUENTES: IBN AL-ABBĀR, *Takmila*, II, 247 (nº 708); ed. Codera, 457 (nº 1315); IBN ʿABD AL-MALIK, *Dayl*, V/I, 12-3 (nº 12); AL-ŞAFADĪ, *Wāfi*, XVII, 11 (nº 8).

BIBLIOGRAFÍA: KAḤḤĀLA, *Muʿjam*, VI, 19.

[A. RODRÍGUEZ FIGUEROA-J. LIROLA DELGADO]

[111] HAFSA AL-HIŶĀRIYYA: HAFSA B. ḤAMDŪN B. ḤAYWA AL-HIŶĀRIYYA (Guadalajara, s. IV=X), poetisa gadalense cuya fecha de nacimiento y fallecimiento se ignoran.

Según Ibn ʿAbd al-Malik al-Marrākuşī, Ḥafsa "era literata, sabia y poetisa", y dice Ibn Saʿīd que su tierra se enorgullecía de ella.

OBRA:

▷ 1. Poesía.

De su obra poética no se conservan más que cuatro fragmentos, a pesar de que Ibn Saʿīd dijo de ella que tenía mucha poesía. Dichos versos han sido traducidos al español por M. Sobh, T. Garulo y M. J. Rubiera.

FUENTES: IBN ʿABD AL-MALIK, *Dayl*, VIII, 484 (nº 249); IBN SAʿĪD, *Mugrib*, II, 37-8; AL-MAQQARĪ, *Nafh*, IV, 285; AL-SUYŪTĪ, *Nuzha*, 36-7 (nº 13).

BIBLIOGRAFÍA: ÁVILA, "Mujeres", 160; GARULO, T., "Sobre las poetisas de al-Andalus" en Viguera, M. J., (ed.), *La Mujer en al-Andalus*, Madrid, 1989, 194-7; GARULO, *Dīwān*, 86-89; GONZÁLEZ PALENCIA, A., *Historia*, 63; KAḤḤĀLA, *Nisāʾ*, 1982⁴, 272; RUBIERA, *Poesía*, 81-4; ŞOḤĪ, M., "La poesía amorosa arábigo-andaluza", *RIEEI*, XVI (1971), 71-109; ŞOḤĪ, M., *Poesías*, 20-7; AL-RIKĀBĪ, Ŷ., *Fī Ladab al-andalusī*, El Cairo, 1980, 98; AL-ZIRIKĪ, *Aʿlām*, II, 292.

[S. SADIQ]

[112] HAFSA AL-RAKŪNIYYA: HAFSA BINT AL-ḤAYŶ AL-RAKŪNIYYA (Las Alpujarras, ¿?-Marraquech, finales de 580 ó principios 581 = abril 1185), una de las más importantes poetisas andalusíes.

Se desconoce la fecha de su nacimiento, aunque di Giacomo la sitúa alrededor del año 530 (=1135). Ibn Diḥya dice en el *Muṭrib* que era originaria de Las Alpujarras de Granada (*Buṣarrāt Garnāta*). Su *nisba*, al-Rakūniyya, parece indicar que era natural de Rakūna, como así lo atestigua Ibn Saʿīd en el *Mugrib*. Esta población debía formar parte de Las Alpujarras, aunque no ha sido identificada. Ibn Saʿīd, en el capítulo concerniente al reino de Elvira, dedica el libro octavo a Las Alpujarras y lo divide en tres partes, la última es la dedicada a Rakūna.

Di Giacomo ("Ḥafsa", 20, n. 19) prefiere leer su *nisba* como "al-Rukūniyya", aunque sus argumentos, según él mismo reconoce, no son concluyentes, pues esta *nisba* lo mismo aparece como "al-Rakūnī" o como "al-Rukūnī" según el autor que la cite. También atribuye di Giacomo a esta *nisba* un origen bereber, pues al-Baydaq (Lévi-Provençal, E., *Documents inédits d'histoire almohade*, París, 1928, 65, l. 1) menciona una fracción bereber al oeste de Marraquech que llama "Rakūna".

Las fuentes señalan que pertenecía a una noble y rica familia y que fue famosa por su gran belleza y cultura.

Según al-Mallāḥī, en su obra *Taʿrīj al-dawlatayn al-murwahḥidiyya wa-l-ḥafsiyya* (Historia de las dos dinastías almohade y hafsi), Ḥafsa fue uno de los miembros de la delegación andalusí que se encontró en Salé con el califa almohade ʿAbd al-Muʿmin (g. 524=1130-558=1163) en el año 553 (=1158-9). Éste había oído hablar de ella, por lo que pidió que se presentara ante él. Al hacerlo, Ḥafsa besó la mano del califa y le recitó un panegírico.

El episodio de su vida más destacado en las antologías es el de sus amores con el poeta Abū Ŷaʿfar Ibn Saʿīd, uno de los miembros más destacados de los Banū Saʿīd de Alcalá la Real. Ḥafsa era muy conocida en Granada y frecuentaba la corte del gobernador almohade de esta ciudad, el príncipe Abū Saʿīd ʿUṭmān, hijo del califa ʿAbd al-Muʿmin. Abū Saʿīd fue un gran mecenas de las letras y reunió a su alrededor un nutrido grupo de poetisas, entre los que destacaron Ibn Ŷubayr, al-Ruṣāfi, al-Kutandī, al-Mawāʿinī, Abū Ŷaʿfar y Ḥafsa. Parece ser que tanto Abū Ŷaʿfar como el príncipe Abū Saʿīd ʿUṭmān, de quien Abū Ŷaʿfar era secretario, se enamoraron perdidamente de Ḥafsa. Los celos de Abū Ŷaʿfar le llevaron a satirizar al príncipe y a tomar partido por Ibn